

رابطه بین سبک های فرزندپروری و خودکارآمدی دانش آموزان پایه ششم شهرستان نکا ۱۳۹۵

فاطمه عشیری^۱، کیومرث خطیرپاشا^۲^۱دانشجو کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد، واحد ساری F.ashiri1353@yahoo.com^۲دکتری مدیریت آموزشی، استاد دانشگاه آزاد واحد ساری Kiu.pasha@gmail.com

چکیده

می کند . یعنی می آموزد چگونه غذا بخورد، لباس بپوشد، حرف بزند، معاشرت کند، همکاری نماید، محبت و احترام روا دارد تا رفتارش مورد قبول واقع شود و در انجام خواسته هایش توفیق یابد. همچنین در خانواده است که به آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و حدود اختیارات و مسئولیتها پی می برد (پارسا، ۱۳۶۷).

بامریند (۱۹۷۱) سه سبک فرزندپروری که مبتنی بر دو شاخه اصلی یعنی محبت والدین و کنترل والدین، پایه ریزی شده را مطرح کرده است: سبک مقتدرانه^۱، سبک مستبدانه^۲ و سبک سهل گیرانه^۳.

در واقع می توان گفت که یکی از عوامل تاثیرگذار در شکل گیری عوامل شخصیتی، الگوهای رفتاری و سلامت روان فرزندان، فضای خانواده و نوع ارتباط والدین با فرزندان می باشد (حقیقی و خلیل زاده، ۱۳۹۱).

شیوه های فرزندپروری در واقع همان رفتار های و تعاملاتی که بین والدین و فرزندان در محیط خانواده صورت می گیرد. هر چه این شیوه ها بر اساس و اصول منطقی منطبق باشد، و نیز همین طور با توجه به خصوصیات و ویژگی های دوران مختلف فرزندان (کودکی، نوجوانی) باشد، موثرتر خواهد بود.

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سالها نظر متخصصان و صاحب نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است.

شیوه های فرزندپروری در واقع همان رفتار های و تعاملاتی که بین والدین و فرزندان در محیط خانواده صورت می گیرد. هر چه این شیوه ها بر اساس و اصول منطقی منطبق باشد، و نیز همین طور با توجه به خصوصیات و ویژگی های دوران مختلف فرزندان (کودکی، نوجوانی) باشد، موثرتر خواهد بود.

شیوه فرزند پروری یکی از مسائل مهم و شایان توجه در مبحث روانشناسی می باشد که باید توجه بیشتری به آن و متغیرهای تاثیرگذار بر آن مبذول گردد.

هدف این پژوهش تعیین رابطه بین، سبک فرزندپروری مقتدرانه خودکارآمدی دانش آموزان پایه ی ششم می باشد.

خانواده اولین و بنیادی ترین نهادی است که در شکل گیری شخصیت انسان نقش اساسی دارد. انسان زندگی خود را از خانواده شروع می کند و خمیرمایه ی شخصیت او در آن جا سرشته شده، ارزشها و معیارهای فکری او پایه گذاری می شود. (سیف، ۱۳۸۰). منظور از خودکارآمدی (باندورا، ۱۹۹۷) قضاوت های فرد درباره ی توانایی ها و ولایت فرد در اجرای کنترل روی حوادث زندگی است. (مهرافزا، ۱۳۸۳). هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه بین سبک فرزند پروری مقتدرانه والدین و خودکارآمدی دانش آموزان پایه ی ششم شهرستان نکا در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ می باشد. جامعه ی آماری پژوهش حاضر، کلیه ی دانش آموزان پایه ی ششم شهرستان نکا و والدین آنها که حدود ۱۵۰۰ نفر هستند و نمونه ی آماری که شامل (۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) که به صورت نمونه گیری غیر تصادفی سهمیه ای انتخاب شده اند می باشد. ابزارهای پژوهش حاضر، پرسشنامه های سبک های فرزندپروری بامریند، خودکارآمدی شرر و همکاران بوده که در اختیار آزمودنی ها قرار گرفت. توضیحات لازم در مورد سوالات و نحوه ی پاسخ دهی به این پرسشنامه ها در هنگام توزیع آنها به آزمودنی ها ارائه شد. برای تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار آماری SPSS و ضریب همبستگی در سطح معنی داری (0.05) استفاده شده است. با توجه به نتایج و یافته های به دست آمده: بین سبک های فرزندپروری مقتدرانه والدین و خودکارآمدی دانش آموزان پایه ی ششم رابطه معنی دار وجود دارد.

واژه های کلیدی

سبک های فرزند پروری، دانش آموزان، والدین، خود کارآمدی.

مقدمه

خانواده یکی از مهمترین و اساسی ترین سازمان هایی است که به رشد کودک یاری می دهد. در خانواده است که کودک نخستین چشم انداز را از جهان پیرامون خود به دست می آورد و احساس وجود

¹ -Authoritative style² -Authoritarian Style³ - Permissive Style